

بچه ما

«خیلی خوب» نبود؟!!

میزگرد رشد خانواده درباره تصورات و توقعات اولیا از ارزشیابی کیفی توصیفی

زهرا نصیری

«خانم معلم! چرا امتیاز دختر من تو یکی از درس‌هایش خوب شده؟ چرا خیلی خوب ندادید؟ چرا هم‌کلاسی‌هایش خیلی خوب شدن؟ بچه من انگیزه و روحیه‌اش رو از دست داده».

معمولاً تغییر و تحول در هر سیستمی با فراز و نشیب‌هایی همراه است. تغییراتی که در کنار محاسن، لاجرم آسیب‌هایی را نیز به دنبال دارد که ممکن است یک نسل را تحت تأثیر خود قرار دهد. در سال‌های اخیر نظام آموزشی کشور تغییراتی را به خود دیده است که اهداف آموزشی و تربیتی والایی را دنبال می‌کند. یکی از این تغییرات، دور شدن نظام آموزشی از سیستم نمره‌محور و پیوستن به سیستم ارزشیابی کیفی و توصیفی است. از جمله مهم‌ترین اهداف ارزشیابی توصیفی، این است که دانش‌آموزان در فضایی آمیخته با مشارکت و خلاقیت به تحصیل بپردازند و به دور از نگرانی نمره، با شادابی بیشتر و کیفیتی مطلوب‌تر مطالب درسی را بیاموزند. در سیستم ارزشیابی توصیفی، کودکان تشویق می‌شوند که علایق، تجارب و ایده‌های خود را به کلاس درس بیاورند و اجازه دارند

درباره هدف‌های کار روزانه خود با معلمان بحث کنند. از طرفی دانش‌آموزان احساس آرامش می‌کنند، تنش‌ها و فشارهای کسب نمره را ندارند و به آن‌ها استقلال داده می‌شود تا تصمیم بگیرند؛ اما همه آنچه بیان شد، گاهی با معضلاتی نیز همراه می‌شود. ریشه این معضلات به تبیین نشدن ماهیت و هدف دقیق این سیستم آموزشی برای اولیا، دانش‌آموزان و گاهی معلمان برمی‌گردد. در این زمینه با سه معلم و یک مشاور مدرسه در مقطع ابتدایی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

درباره فرزندانمان واقع‌بین باشیم

مرضیه کریمی؛ معلم دوره ابتدایی

در این خصوص، کریمی، معلم پایه پنجم ابتدایی می‌گوید: «اگر سیستم ارزشیابی کیفی توصیفی درست اجرایی شود، در آینده شاهد موفقیت بزرگی در نظام آموزشی خواهیم بود، اما در حال حاضر اهداف و روش این نوع ارزشیابی توصیفی برای خانواده‌ها و برخی از همکاران ما به اندازه کافی تبیین نشده است. متأسفانه برخی از خانواده‌ها دوست دارند حتی به دروغ باور کنند که تلاش و استعداد فرزندان در حد بالاترین امتیاز بوده است.»

وی ادامه می‌دهد: «در برخی موارد حتی اولیای دانش‌آموز، خودشان واقف به این موضوع هستند که سطح یادگیری و تلاش و استعداد فرزندان چگونه است، اما با این حال گویی دوست دارند معلم با مبالغه بگوید که فرزند شما در حد خیلی خوب و بدون مشکل است. متأسفانه این نحوه تفکر خانواده، به فرزندان نیز منتقل می‌شود؛ به طوری که همواره دوست دارند در هر حال ستایش شوند؛ حتی اگر شرایط آن را نداشته باشند. تقویت این روحیه باعث می‌شود که چنین تفکری به سایر امور زندگی‌شان نیز سرایت کند که ممکن است به عنوان یک معضل اخلاقی در آن‌ها نهادینه شود. بهتر است درباره فرزندان واقع‌بین باشیم و او را همان‌گونه که هست، باور کنیم.»

کریمی می‌گوید: «همواره شعار ما این بوده که تربیت، رکن اساسی آموزش در مدارس است و حتی باید مقدم بر تعلیم باشد، اما تا وقتی که سیستم آموزشی جدید برای دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و حتی برای برخی از معلمان کاملاً تبیین نشده باشد، شاهد موارد سوء تربیتی نیز خواهیم بود.»

هر دانش‌آموز با خودش مقایسه می‌شود

فاطمه میرزایی؛ معلم دوره ابتدایی

میرزایی در این خصوص اظهار می‌کند: «اصولاً سیستم آموزشی توصیفی، سعی بر آن دارد که دانش‌آموز را متناسب

با استعداد و توانایی خودش ارزیابی کند و به هیچ‌عنوان او را با هم‌کلاسی‌هایش مقایسه نمی‌کند و امتیاز خیلی خوب، خوب و... بر اساس سنجش فعالیت دانش‌آموز در مقایسه با استعداد و توانمندی خودش تعیین می‌شود. حتی ممکن است چنانچه ارزشیابی از طریق نمره صورت بگیرد، امتیاز خیلی خوب یک دانش‌آموز با امتیاز خوب دانش‌آموز دیگر تقریباً برابری کند، اما هرکدام بر اساس توانمندی خود، امتیاز را کسب کرده‌اند. در اغلب موارد، این فرایند برای دانش‌آموزان، اولیا و حتی خود معلمان به خوبی تبیین نشده است؛ به خصوص در رابطه با دروسی مثل ورزش و هنر، اولیا انتظار دارند که چون فرزندشان در دروس پایه امتیاز بالایی کسب کرده، پس باید در این مواد درسی هم بهترین باشند، درحالی‌که این دیدگاه کاملاً اشتباه است؛ چراکه توانمندی و استعداد افراد در زمینه‌های مختلف، متفاوت است که در این خصوص برنامه ملی «شهاب» در صورتی که درست اجرایی شود، تا حدی مشکل را حل خواهد کرد.»

رشد تعلیم و تربیت با اجرای صحیح ارزشیابی توصیفی

آرزو محمودی؛ معلم دوره ابتدایی

خانم محمودی یکی دیگر از معلمان دوره ابتدایی است. او می‌گوید: «در این خصوص همه مشکل از ناحیه دانش‌آموز و اولیای او نیست؛ متأسفانه در مواردی هم مشاهده می‌شود مدرسه اصرار دارد دانش‌آموزان با امتیازهای غیرواقعی که وضعیت را مطلوب جلوه می‌دهد، وارد پایه تحصیلی بالاتر شوند. آثار این موضوع در پایه بعدی مشاهده می‌شود؛ می‌بینیم دانش‌آموزی که امتیاز خیلی خوب غیرواقعی را کسب کرده بود، مهارت کافی را در درس‌ها ندارد. این امر هم باعث ضعف پایه تحصیلی دانش‌آموز خواهد شد و هم اعتماد به نفس کاذب را در او تقویت خواهد کرد.»

وی می‌گوید: «اگر سیستم ارزشیابی کیفی توصیفی منطبق با اهداف و شیوه‌نامه صحیح آن اجرایی شود، شاهد رشد و شکوفایی در تعلیم و تربیت فرزندان ایران خواهیم بود.»

به دانش‌آموزان امتیاز واقعی بدهید

وبدا محبی؛ مشاور مدارس دوره ابتدایی

محبی در خصوص تأثیر کسب امتیازهای غیرواقعی در طول تحصیل، می‌گوید: «این مسئله مصداقی از دروغ است که اعتماد به نفس کاذب را در دانش‌آموز ایجاد می‌کند. حتی باعث می‌شود او در بزرگسالی نیز به توانایی‌ها و کاستی‌های خود واقف نباشد و به خودشناسی نرسد.»

”

اهداف و روش
این نوع ارزشیابی
توصیفی برای
خانواده‌ها و برخی
از همکاران ما به
اندازه کافی تبیین
نشده است



وی با تأکید بر این که این تفکرات اغلب از طریق والدین به فرزندان منتقل می‌شود، ادامه می‌دهد: «در موارد زیادی شاهد بوده‌ایم که مادر از سطح توانایی فرزندش باخبر است، اما همواره کاستی‌های او را پوشانده و به عنوان توانایی جلوه می‌دهد و این باعث می‌شود که فرزند پرتوقع شود و همواره با خود بگوید من هر طور هم که تکالیفم را انجام بدهم، مادرم آن را عالی می‌داند. ما باید در رابطه با فرزندانمان واقع‌گرایانه نظر بدهیم تا به خودشناسی آن‌ها کمک کند».

وی به نحوه تعامل کودکان در مدارس و جمع هم‌سالان اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه فرزندان ما اغلب رقابت ناسالم دارند و حتی در بازی‌های خود می‌آموزند که باید تلاش کنند تا به حق خود برسند؛ حتی شده به قیمت این که حق دیگری را ضایع کنند. آن‌ها تعارض‌های اخلاقی زیادی را در جامعه می‌بینند. مثلاً والدین در محیط خانواده سعی بر این دارند که ارزش بودن صداقت را برای فرزندشان تبیین کنند، ولی همین کودک در محیط جامعه و حتی مدرسه شاهد است که صداقت حتی در کسب نمره و امتیاز درسی هم وجود ندارد و در این شرایط روحیه‌ای را کسب می‌کند که دوست دارد به او به دروغ گفته شود که امتیاز تو خیلی خوب است».

محبی ادامه می‌دهد: «اگر این روحیه در کودک تقویت شود که مدام منتظر کسب امتیاز دروغین بالاتر باشد، باعث خواهد شد که وی حتی در بزرگسالی شخصیتی دهان‌بین، مدعی و با اعتماد به نفس کاذب داشته باشد و همواره مسیر زندگی خود را بر اساس دیدگاه و نظر دیگران تعیین کند».

توصیه این مشاور به معلمان این است که در رابطه با دانش‌آموزان، نظر واقعی‌شان را ابراز کنند و نه تنها در پایان ترم، بلکه در طول سال اولیا را در جریان دقیق و صحیح وضعیت تحصیلی و اخلاقی فرزندشان قرار دهند. همچنین او به والدین نیز توصیه می‌کند همواره در رابطه با فرزندانشان واقع‌بین باشند؛ چراکه یک پدر یا مادر آگاه و واقع‌بین به تعریف و تمجید بی‌هوده استناد نمی‌کند، بلکه توانایی واقعی فرزندش را در نظر می‌گیرد و این واقع‌بینی را به فرزند خود نیز منتقل می‌کند.